سرمقاله

ادامه از صفحه یک ...

منافع ملی کشورها در عرصه فضای مجازی و همچنین مسائل بیولوژیک برجسته شده‌اند. به طور خاص، پیش‌تر گزارش‌هایی مبنی بر تلاش‌های قدرت‌هایی نظیر آمریکا، روسیه و چین، با هدف قدرت گیری در این عرصه‌ها منتشر شده بود.

حال با شیوع ویروس کرونا، این مساله بیش از پیش در ذهن دولتمردان و سیاستگذاران برجسته خواهد شد که شیوع یک ویروس نظیر کرونا به راحتی قادر است کلیه فعالیت‌های اقتصادی و حتی اجتماعی جامعه ایرانی را با تهدید و خطر جدی مواجه سازد و امنیت ملی را به خطر بیندازد (دقیقاً شبیهِ همان کاری که وقوع یک جنگ علیه ایران می‌تواند انجام دهد).

از این رو، شیوع ویروس کرونا، ضرورت توجهی یکسان به حوزه‌های جدید از تهدید علیه امنیت ملی (نظیر تهدیدات بیولوژیک) را در ذهن دولتمردان ایرانی بیش از پیش برجسته خواهد کرد و موجب خواهد شد تا تصوری محدود از مفهوم تهدید که بیشتر در حوزه مسائل نظامی و امنیتی است جای خود را به تصوری گسترده‌تر از مفهوم تهدید (با گسترش به حوزه‌هایی نظیر تهدیدات بیولوژیک) بدهد

تصوری جدید از قدرت

مساله بعدی که با شیوع ویروس کرونا در ذهنِ دولتمردانِ پررنگ خواهد شد، گسترش و افزایش ساز و کارها و توان کشور در زمینه افزایش قدرت در عرصه‌های جدیدی نظیر مسائل بیولوژیک خواهد بود. در واقع، به موازات برجسته شدن این مساله در ذهن دولتمردان ایرانی که تهدید، صرفاً محدود به مسائل امنیتی (ماهیت نظامی تهدید) نیست و باید دید و چشم انداز در این زمینه را گسترش بخشید، افزایش قدرت در حوزه‌های جدید نظیر مسائل بیولوژیک نیز از اهمیت جدی برخوردار می‌شود. از این رو، به همان اندازه که موشک برای امنیت ملی مفید است، توانایی بالای بیولوژیک و افزایش قدرت جهت مقابله با تهدیدات در این حوزه نیز به تقویتِ امنیت ملی کمک خواهد کرد.

در این راستا، شیوع ویروس کرونا به همراه تهدیدات و مشکلاتی که در شرایط فعلی ایجاد کرده، نقش مهمی در گذار ذهنی دولتمردان از تصورشان در مورد قدرت، بازی خواهد کرد و موجب می‌شود تا آن‌ها بیش از پیش به تقویت قدرت در این زمینه به عنوان یک اولویت بنگرند.

تجربیات جدیدی از مدیریت بحران

شیوع ویروس کرونا در ایران در مدت اخیر موجب شده تا جامعه ایرانی تجربیات جدیدی را در زمینه مدیریت بحران نیز کسب نماید. شیوع ویروس کرونا از شهر قم اتفاق افتاد و عده زیادی بر این باور بودند که قرنطینه این شهر در شروع کار می‌توانست از آلوده شدن تقریبا تمامی استان‌های به این ویروس جلوگیری کند (نظیر همان کاری که دولت چین انجام داد). از طرفی، هم زمان با شیوع کرونا، مردم دچار اضطراب فراوانی شده‌اند به نحوی که در همان روزهای ابتدایی با کمبود اقلامی نظیر ماسک، ژل‌ها و مواد ضدعفونی کننده و دستکش‌های بهداشتی مواجه شد. اندکی بعد با گسترش شیوع کرونا، تقریباً بخش‌های زیادی از شهرهای ایران با مقررات محدودیتی در زمینه رفت و آمد میان شهری و قرنطینه مواجه شدند (کاری که در روزهای ابتدایی انجام نشد). دولت نیز برای مقابله با ویروس کرونا، اقدام به تعطیلی کلیه مراکز آموزشی تا پایان عید نوروز کرد. مساله ای که موجب شد برخی از مردم بدون توجه به این ویروس، عازم جاده‌های مناطق شمالی شوند و به نوعی بر دامنه گسترش هر چه بیشتر ویروس کرونا بیفزایند.

شاید برخی در شرایط فعلی از این نوع رفتار برخی از مردم جامعه ایران انتقاد کنند با این حال باید این نکته را مد نظر داشت که جامعه ایرانی همچون بسیاری از جوامع دیگر در جهان ویژگی‌ها و خصایص خاص خود را دارد. در این میان برخی ویژگی‌ها مثبت و سازنده هستند و در عین حل، برخی از این ویژگی‌ها چندان مثبت نیستند. مسوولیت اصلی مدیریت بحران در کشور این است که این مساله را در سیاستگذاری خود جهتِ مقابله با یک بحران نظیر شیوع ویروس کرونا به رسمیت بشناسد که در زمان‌هایی نظیر آنچه با تعطیلی مدارس و مراکز آموزشی در ایران اتفاق افتاد، بخش‌هایی از مردم بدون توجه به تهدیدات، راهی مناطقی نظیر شمال می‌شوند و این تعطیلی را به مثابه فرصتی برای تفریح در تعطیلات ارزیابی می‌کنند.

از این رو، باید رویه‌ها به نوعی تعریف شوند تا در بدوِ سیاستگذاری، موانع گسترده‌ای بر سر راهِ اقدامات این گروه از مردم ایجاد شود. مسلماً شیوع ویروس کرونا، درس‌های خوبی را برای دولتمردان کشورمان در زمینه نظام تأمین و توزیع وسایلِ بهداشتی و همچنین ارائه کمک‌های پزشکی و درمانی نیز به همراه داشته است که باید سعی کرد آن‌ها را به مثابه چراغ راه آینده قلمداد کرد.

مردم با مسئولین همراهی کنند

دبیرکل حزب موتلفه اسلامی گفت: مردم برای مقابله و کنترل کرونا در کشور با مسئولین همراهی و کار جهادی کنند.اسدا... بادامچیان در پایان نشست دبیران حزب در بیان مواضع هفتگی با اشاره به تلاش‌های دولت در زمینه مبارزه با کرونا گفت: ضمن تقدیر از کوشش دولت در جلوگیری از شیوع این بیماری و تشکر از تلاش‌های همه دستگاه‌ها و سازمان‌ها، از همه مردم درخواست می‌کنیم همانطور که تاکنون همراهی کردند، سعی خود را در این زمینه بیشتر کنند و با استعانت از خداوند و توسل به اولیاء ا... در ریشه کن شدن این ویروس خطرناک مسئولین را همراهی و کاری جهادی کنند.

مجلس یازدهم یک‌دست نیست

دبیرکل حزب جمهوریت ایران اسلامی گفت: مجلس یازدهم یکدست و یک‌رای نیست چون اختلافاتی میان اصولگرایان وجود دارد، شاید به شکل تاکتیکی در موردی خاص وحدت داشته باشند ولی در عمل دو نگرش درون آنها وجود دارد. رقابت درون اصولگرایان شدت خواهد گرفت چون اختلافاتی میان آنها وجود دارد. حجت‌الاسلام رسول منتجب‌نیا، با یادآوری اینکه راهی جز همکاری مجلس و دولت نداریم، گفت: در مجموع افرادی وارد مجلس یازدهم شدند از یک جناح هستند و اگر بخواهیم به نظرات و شعارهای آنها پیش از انتخابات استناد کنیم، در رابطه با رویکرد تقابلی این مجلس با دولت مقداری جای نگرانی وجود دارد.

اصلاح طلبان شکست نخوردند، حذف شدند

علی صوفی وزیر تعاون دولت اصلاحات گفت: اصلاح‌طلبان شکست نخوردند بلکه حذف شدند؛ ما را اصلاً در انتخابات راه ندادند. شکست زمانی اتفاق می‌افتد که ما در انتخابات شرکت کنیم اما مردم به ما رأی ندهند.صوفی افزود: در بیانیه‌های هم که شورای عالی سیاستگذاری اصلاح‌طلبان صادر کرد گفته شد که ما کاندیدایی برای معرفی نداریم که البته این به معنای آن نیست که استقبال مردم از اصلاح‌طلبان بیشتر بوده است اما برای شکست خوردن نیاز به حضور در انتخابات است. اصلاح‌طلبان از پیش اعلام کرده بودند که در این دوره مثل سال ۹۴ با هر شرایطی وارد انتخابات نمی‌شوند.

به بهانه برخورد اخیر «پوتین» با «اردوغان»؛

این رهبران مغرور

راحیل رحمانی/گروه سیاست
Rahil.Rahmani@gmail.com

عکس: آناتولی

داستان از یک عکس و خبر آغاز شد. ولادیمیر پوتین رئیس جمهور روسیه در دیدار رجب طیب اردوغان که برای گفتگو درباره ادلب به مسکو رفته بود، هیات همراه او را مجبور به ایستادن زیر مجسمه‌ای کرد که نماد شکست چند باره عثمانی‌ها از روس‌هاست. در تصویری که از دیدار روسای جمهوری روسیه و ترکیه منتشر شده، هیات ترکی زیر مجسمه «کاترین دوم» که با نام کاترین کبیر هم شناخته می‌شود، ایستاده است.

بسیاری از تحلیلگران این اقدام پوتین را یک پیام زیرکانه به طرف ترکیه‌ای توصیف کردند و گفتند که قصد پوتین از این کار، تحقیر اردوغان بود.

کاترین دوم روسیه یا همان کاترین کبیر، بین سال‌های ۱۷۶۲ تا ۱۷۹۶ امپراتوریس و تزاریس روسیه بود و بارها عثمانی‌ها را در جنگ‌های مختلف شکست داد و در آخر پیمان کینجاریه را در اواخر قرن هجدهم و همزمان با افول سلطنت عثمانی‌ها به آنها تحمیل کرد.چند روز پیش از انتشار این عکس، وزارت امور خارجه روسیه نیز در صفحه فیس‌بوک خود مطالبی درباره جنگ‌های روسیه و عثمانی‌ها بین سال‌های ۱۸۷۷ و ۱۸۷۸ و شکست سنگین عثمانی‌ها منتشر کرده بود که این امر به اخبار مربوط ایستادن هیات ترکیه زیر سایه کاترین کبیر دامن زد.به هر حال این برخورد پوتین واکنش‌های زیادی را به دنبال داشت. «تام لوگان» نویسنده مجله «واشنگتن اگزماینر» در همین باره ادعا کرد: اردوغان جسارت رویارویی با پوتین را نداشت و در مقابل مأمور سابق کاگب له شد و استخوان‌های آتاتُرک در مزارش را به لرزه درآورد!

این رفتار پوتین البته مسبوق به سابقه است. به نظر می‌رسد رییس جمهور روسیه همانند ترامپ علاقه خاصی به برخوردهای تحقیرآمیز در دیدارهای خود دارد.

چندی پیش هم نوع سفر و حضور پوتین در سوریه و دیدار او با بشار اسد رییس جمهور این کشور، انتقاداتی را به دنبال داشت. از جمله علی مطهری نایب رییس مجلس کشورمان با انتشار توئیتی از این نحوه برخورد پوتین انتقاد کرد و نوشت:، علی مطهری در واکنش به سفر رئیس جمهور روسیه به سوریه و دیدار غیرمنتظره با بشار اسد در توییتی نوشت: «رفتار آقای پوتین رئیس جمهور روسیه در سفر به سوریه تحقیر آمیز و عین رفتار ترامپ در سفر به افغانستان و عراق بود. پوتین به جای آنکه در اقامتگاه بشار اسد به دیدار او برود در پایگاه نظامی روسیه در سوریه نشست تا اسد به دیدار او بیاید. شهدا را دیگران دادند بهره برداری را روسیه می‌کند.»

جالب اینکه حتی سفر پوتین به ایران هم با حواشی‌ای از این دست همراه شد و برخی، نوع استقبال، محل توقف هواپیمای پوتین و موارد دیگری را به عنوان نشانه‌های رفتار تحقیرآمیز برشمردند. عزیمت مستقیم پوتین از فرودگاه به بیت رهبری و دیدار با رهبری بدون دیدار با رییس جمهور (قبل از دیدار با رهبری) را هم نادیده گرفتن جایگاه ریاست جمهوری دانستند و عدم برگزاری مراسم استقبال رسمی از پوتین را هم نشانه تضعیف جایگاه ریاست جمهوری و تحقیر این جایگاه عنوان کردند!

جالب اینجاست که نوع برخورد پوتین با همتایان خود به شکلی و به حدی است که برخی تحلیلگران حتی «وترامپ» را هم که خود عادت به تحقیر سایر رهبران سیاسی دنیا دارد، «نوچه پوتین» می‌نامند و می‌خوانند!

به عنوان مثال در نشست خبری که «دونالد ترامپ»، سال گذشته با «ولادیمیر پوتین»، داشت، تحلیل رسانه‌ها این بود که نحوه برخورد ترامپ تفاوتی بارز با تمام نشست‌های خبریِ او در ماه‌های قبل داشت. ترامپ، که معمولاً در کنفرانس‌های خبری یا دیدارها با رهبران سیاسی کشورهای مختلف با ژستی قلدرمآبانه و تحقیرآمیز ظاهر می‌شود، اما رفتار او در برابر پوتین کاملاً زیردستانه و از موضع ضعف بود. این موضوع توجه زیادی برانگیخت و تا آنجا پیش رفته که «جان برنان»، رئیس سابق سیا گفت رفتار ترامپ نشان می‌دهد که او اکنون «نوچه پوتین» است!

واشنگتن پست هم در تحلیلی با تیتر «ترامپ نوچه پوتین است؛ روزی دلیلش را می‌فهمیم» به این رفتارهای ترامپ توجه کرد و نسبت به آن واکنش نشان داد.

و ما درباره ترامپی حرف می‌زنیم که خودش به اینگونه رفتارهای پوتینی معروف است! در میان طوفان زدگان پورتوریکویی دستمال کاغذی خود را میان مردم پرت می‌کند به این نشانه که موضوع برای او خیلی مهم نیست! در فرودگاه دست همسرش را رد می‌کند و در اجلاس گروه ۲۰ گفتگو با پدرو سانچز (نخست وزیر اسپانیا) را قطع می‌کند، سپس، ترامپ با انگشت صندلی سانچز را به او نشان می‌دهد که سر جایش بنشیند، سانچز لبخندی می زند و از دستور او تبعیت می‌کند! (این رفتار خشم رسانه‌های اسپانیایی را برانگیخت و این حرکت ترامپ را «دست انداختن» نخست وزیرشان دانستند.) و در همان اجلاس پس از ورود به محل نشست گروه ۲۰ و در مسیر رسیدن به صندلی تعیین شده برای خود با حرکت دست خود ضربه‌ای به بدن بن سلمان می زند و در ادامه بدون توجه خاصی از کنار او می‌گذرد که باز این حرکت ترامپ را هم به مثابه تحقیر کردن ولی عهد سعودی برشمردند هرچند سعودی‌ها نشان دادند از تحقیرشدن توسط ایالات متحده بدشان نمی‌آید!

بین الملل

ایونکا ترامپ اولین رئیس‌جمهور زن آمریکا می‌شود؟

پس از کنار رفتن تمام مدعیان زن انتخابات ریاست جمهوری آمریکا، باز بسیاری از زنان و حتی مردان در این کشور ناامید از دیدن یک زن در قامت ریاست جمهوری این کشور شدند. در این میان برخی از جریان‌های سیاسی و اجتماعی از احتمال شکستن این طلسم به دست ایونکا ترامپ می‌گویند، چرا که بسیاری از طرفداران پدرش مشتاق دیدن او در این مقام هستند. این در حالی است که برخی ناظران دیگر، بر این باور هستند که ریاست جمهوری ایونکا در بهترین حالت تداوم قدرت سیاسی در دست یک خاندان است و نه رسیدن یک «زن» به بالاترین مقام سیاسی در ایالات متحده. خبرگزاری سی ان ان آمریکا در همین باره نوشت: البته این خبری نیست که دموکرات‌ها دوست داشته باشند، اما این محتمل ترین سناریو است. زنان در دولت، بیشتر از مردان به پیوندهای خانوادگی با سیاست گرایش دارند. یک مطالعه در سال ۲۰۱۸ نشان داد که از هر ۱۰ حکومت سیاسی که در دست مردان است، تنها یک مورد متعلق به یک خانواده سیاسی است. اما در طرف مقابل این مطالعه نشان می‌دهد که از هر سه حکومت سیاسی زنان، یک مورد متعلق به خانواده سیاسی است.

خانواده ترامپ، خاندانی است که از نزدیکی خود به کاخ سفید سود برده است. همچون یک قطار بدون توقف، یافتن رئیس جمهور بعدی از میان اعضای خانواده، گامی منطقی برای امکان ادامه انتفاع از مقام ریاست جمهوری است. در این میان به نظر می‌رسد که ایونکا قوی‌ترین مدعی در بین فرزندان ترامپ باشد. ترامپ نیز پیش از این او را یک «دیپلمات عالی» خواند و گفت: «اگر او بخواهد نامزد انتخابات ریاست جمهوری شود، من فکر می‌کنم بسیار سخت بتوان او را شکست داد.»

ایونکا نسخه‌ای است از هر آنچه که دونالد ترامپ می‌گوید یا انجام می‌دهد و نمونه‌ای است از خود ترامپ. به عبارت بهتر ایونکا آن رئیس جمهور زنی نیست که مردم آمریکا منتظر آن هستند بلکه فردی است از سلسله سیاسی خاندان ترامپ با همان ویژگی‌ها.

تئوری توطئه یا واقعیت محتمل؟

این هم تقصیر آمریکاست؟!

رها سعادت/گروه سیاست
Raha.Saadat@gmail.com

حمله بیوتروریستی یا توهم و تئوری توطئه؟! کدام یک درباره ویروس مرگباری که به جان دنیا افتاده، درست است؟ در روزهای اخیر گمانه زنی در این باره شدت گرفته است. برخی مسئولان کشورمان لابلای صحبت‌های خود به این نکته اشاره کردند که ممکن است کار آمریکا باشد.

روز گذشته سردار عراقی زاده سخنگوی قرارگاه مبارزه با کرونا در ستاد کل نیروهای مسلح به احتمال حمله بیولوژیک آمریکا از طریق انتشار ویروس کرونا اشاره و تاکید کرد: «در این باره برخی شواهد و احتمالات وجود دارد که باید بر اساس آنها قضاوت کرد. همه ما می دانیم که امریکا در برخی کشورها آزمایشگاههایی دارد که درباره انواع ویروس‌ها آزمایش‌های بیولوژیک و مهندسی ژنتیک انجام می‌دهد.» این موضوعی است که سردار جلالی رییس سازمان پدافند غیرعامل کشورمان هم به آن اشاره کرده است. جلالی در این باره گفته: «منشاء توسعه کرونا با شواهد و قرائن تحلیلی و راهبردی و بعضی نکات خبری به دشمن ارجاع می‌شود اما اثبات تخصصی آن نیاز به بررسی‌های آزمایشگاهی و مقایسه بین ژنوم ویروس اولیه ثبت شده و نتایج مطالعه روی ژنوم‌های جدید از نظر نوع تغییرات عامدانه روی آن دارد.»

از سوی دیگر حشمتا... فلاحت‌پیشه، رئیس پیشین کمیسیون امنیت ملی مجلس نیز با قاطعیت از حمله بیوتروریستی آمریکا به چین و ایران سخن گفته و جواب ترامپ درباره کمک به ایران را هم داده و گفته که آمریکا درباره کرونا دروغ می گوید: «کرونا عامل بیماری عادی نیست، بلکه بیوتروریستی است که در کشورهای ایران و چین توزیع شده است که در قبال کشورهای ایران و چین ترویج شد و نباید این موضوع را نادیده گرفت. لازم است مقابله با بیوتروریسم از حوزه پدافند غیرعامل خارج شود و به صورت جداگانه باشد.»

بخشی از صحبت‌های فلاحت پیشه درباره توطئه‌های آمریکا علیه ایران بویژه در حوزه دارویی درست به نظر می‌رسد اما تحلیلگران اعتقاد دارند ربط دادن کرونا به آمریکا می تواند مبتنی بر همان تئوری همیشگی «توهم توطئه» باشد. مثل صادق جوادی حصار، تحلیلگر مسائل سیاسی که در گفت و گو با یکی از رسانه‌ها در همین باره گفته است: «در شرایطی بعضاً پیش می‌آید که پای دشمن فرضی یا حتی واقعی به میان آید. مثال تفکرات دایی جان ناپلئونی هم ریشه در همین تفکر دارد. این ماجرا یک‌سوی دیگر هم دارد. واقعیت این است که نمی توانیم بگوییم که ما هیچ دشمنی نداریم و هر مشکلی که ایجاد می‌شود، ناشی از بی‌تدبیری است. در حقیقت اگر نگاه مسئولان صرفاً بر اساس تئوری توطئه جلو برود، دچار نوعی سهل‌انگاری شده است و اگر برخی بگویند ایران هیچ دشمنی ندارد، دچار غفلت شده‌اند. به نظر من، گرچه کشور ایران دشمن دارد و یکی از دشمنان مهم هم آمریکاست، اما مشخصاً در موضوع کرونا مسئولان برای آنکه خود را از فشار برهانند، این سخنان را مطرح می کنند. من در قبال چنین بحث‌هایی می گویم انسان از یک سوراخ دو بار گزیده نمی‌شود.»

صادق زیباکلام، استاد علوم سیاسی دانشگاه تهران، درباره همین موضوع یعنی تئوری توطئه برخی مسئولان به «اعتماد آنلاین» گفته است: «شما هیچ پدیده مهم داخل و خارج از کشوری را پیدا نمی کنید که به شکلی به تئوری توطئه ارتباط پیدا نکند. البته این فقط در ایران نیست که هر چیزی را که با آن مخالف هستند، به این تئوری پیوند می‌زنند... جالب است که این فقط عوام و لایه‌های کمتر تحصیل کرده نیستند که به این تئوری پناه می‌برند؛ بسیاری از تحصیل کرده‌ها هم پدیده‌های سیاسی و اجتماعی را به تئوری‌های توطئه مربوط می‌دانند.»

ماجرای احتمال بیولوژیک بودن کرونا در سخنان اخیر دلاوری مجری تلویزیون و کنایه‌هایی که در این باره به سردار جلالی زد دوباره مطرح شد که البته واکنش سردار را هم به دنبال داشت و رییس پدافند غیرعامل کشورمان در واکنش به کنایه‌های دلاوری گفت: تلاش کردم هیچ‌وقت دعوت اصحاب رسانه را بی‌پاسخ نگذارم چراکه خبرنگاران را نماینده ملت می‌دانم. درباره موضوع کرونا و جنگ بیولوژیک چند روز پیش با خبرگزاری فارس مصاحبه کردم. راجع به ابعاد دیگر مساله به دلایلی مجبور بودیم فعلاً سخنی نگوییم. فکر کنم با بیان انتقادیتان این قفل شکسته شود. این روزها بیشتر مراقب هم باشیم.» به هر حال موضوع اصلی در داستان ویروس مرگبار این روزها، این است که افکار عمومی اعتقاد دارند مسئولان کشورمان مثل همیشه «غافلگیر شدند» و پس از بوجود آمدن بحران کرونا هم نتوانستند مدیریت درستی در این زمینه داشته باشند و خب حالا شاید انداختن تقصیر گردن آمریکا، مثل همیشه راحت‌ترین کار ممکن باشد!

ده ها پناهجو پس از اینکه توسط نیروهای مرزی یونان بازداشت شده‌اند در هوای سرد نیمه عریان شده و اموال و لباس‌های آنها سلب شده است.

مراسم تدفین پیکر فاطمه رهبر، نماینده منتخب مردم تهران در مجلس یازدهم، روز یکشنبه در قطعه ۲۱ بهشت زهرا(س) با حضور بستگان نزدیکش برگزار شد.

پارلمان

نجات اقتصاد ایران با سهم ۳۰ درصدی؟!

«نجات اقتصاد» این شعاری بود که چند ماه مانده به انتخابات ورد زبان اصولگرایان شده بود و با انتقادهای پی در پی از سیاست‌های اقتصادی دولت و مجلس دهم انگشت اتهام ناکارآمدی را سمت آنها گرفتند. البته این انتقادها جدید نبود و بعد از انتخابات مجلس دهم و سال ۹۴ یکی از انتقادهایی که به لیست امید داشتند این بود که آنها از افراد آشنا به اقتصاد در لیست‌شان کم‌تر استفاده کرده‌اند.

اما از یک سال پیش علم شورای ائتلاف رسماً بالا رفت تا به قول خودشان بتوانند نیروهایی را به داخل مجلس بفرستند تا از میان آنها «دستی برون آید و کاری بکند» البته شعارها آن هم تنها به مسئله اقتصادی و معیشت ختم نشد و موضوع حضور زنان و جوانان در لیست هم به آن اضافه شد.

«وحدت فراگیر از همه نیروهای انقلابی، جوانگرایی، دخالت‌دادن مردم در فرآیند رسیدن به لیست واحد، مشارکت‌دادن بیشتر بانوان در رسیدن به لیست واحد، نفی سهمیه‌بندی، نفی تصمیم‌گیری از بالا به پایین و از مرکز به استان‌ها، نجات اقتصاد ایران و ...» این‌ها جملاتی است که غلامعلی حدادعادل آن را چند روز مانده به انتخابات به زبان آورد جملاتی که با لیست نهایی اصولگرایان فاصله زیادی داشت.

چه آنکه اینبار هم در یک کارزار انتخاباتی آتش اختلاف به دامن جریان راست افتاد و آنها برای رسیدن به یک لیست واحد با دردسر پایداری‌ها روبرو شدند. آنقدر که لیست شورای ائتلاف در چندین نوبت منتشر و به فاصله کوتاه پس گرفته شد. لیست شورای ائتلاف که در دقایق پایانی و نزدیک به انتخابات بیرون آمد در نهایت برای راضی کردن پایداری‌ها دچار تغییر اساسی شد و حتی ائتلافی‌های اصولگرا حاضر شدند شعار اقتصاد و زنان را فراموش کنند و به جای آن سهمی برای «بچه شلوغ کن‌های اصولگرا» در نظر بگیرند.

در لیست وحدت نام ۷ چهره به چشم می‌خورد که همه از لیست مستقل پایداری‌ها به این مجموعه جدید منتقل شده بودند. آقاتهرانی شاخص‌ترین چهره این لیست بود که بعد از اضافه شدن او آقامیری چهره روحانی لیست ثانویه حذف شد. دو کاندیدای زن لیست ثانویه یعنی سوده نجفی و عاطفه خادمی هم حذف شده و به ازای آن یک زن یعنی لاجوردی به مجموعه لیست ائتلاف اضافه شد با این احتساب سهم زنان در لیست وحدت کاهش یافت.

رضا تقی پور وزیر احمدی نژاد هم بالاخره توانست به لیست وحدت راه یابد. بیژن نوباوه، علی خضریان، غلامحسین رضوانی و روح ا... ایزدخواه هم با برند پایداری در لیست وحدت جای گرفته‌اند. با احتساب حضور سیدمحمود نبویان از دیگر چهره‌های پایداریچی در لیست شورای ائتلاف می‌توان بالاترین سهم در لیست شورای ائتلاف را متعلق به جبهه پایداری دانست.

در میان سهمیه پایداری‌ها در لیست واحد «رضا تقی‌پور» مدرک دکترای علوم پیشرفته مدیریت و سابقه اجرایی وزارت ارتباطات در دولت احمدی نژاد را دارد، روح ا... ایزدخواه دکترای مدیریت فناوری و علی خضریان کارشناسی ارشد علوم سیاسی است. زهره لاجوردی هم کارشناس ارشد الهیات دارد و در مدارک تحصیلی غلامحسین رضوانی مهندسی برق به ثبت رسیده است. آقاتهرانی و نبویان که عرفان و فلسفه خوانده‌اند و نوباوه هم که فردی رسانه‌ای و کارشناس ارشد تهیه و تولید سیما است.

نگاهی به تحصیلات ۷ سهم پایداری‌ها حکایت از آن دارد که شورای ائتلاف بدون توجه به شعار اقتصاد ایران و حتی اهمیت دهی به سهم جوانان و زنان اقدام به سهم دهی به فرزندان معنوی آیت ا... مصباح کرده است.

سهم زنان از لیست ۳۰ نفره اصولگرایان در تهران فقط ۱۶ درصد بود و سهم نمایندگان با مدارک تحصیلی و سوابق اجرایی اقتصادی نیز کمتر از ۳۰ درصد است.